

معرفی فردا

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: نادر باقری
- جانسین مدیر مسئول: فریا ابائری
- زیر نظر شورای سردبیری
- دبیر اجرایی: زهره هدایتی
- سیاست جامعه فر دا
- همکاران: مهسا امربادی، امین معصومی، ناهید مولوی، اعظم ویسمه
- جهان و دیپلماسی جامعه فر دا
- دبیر: نزهت امیرآبادیان
- همکاران: زینب جعفری، مرتضی سمیاری، سارا فیروز، زهره قلی پور، فاروق نجم‌الدین
- اقتصاد جامعه فر دا
- دبیر: مریم میرزایی
- همکاران: مهناز اعتنالی، سارا حامدی، مسعود زارع، علی محسنی، رضا رافع
- مردم جامعه فر دا
- دبیر: سعید برآبادی
- همکاران: حمید ابراهیمزاده، سعیده علی پور، سارا غضنفری، جواد حیدریان

- پیش فنی
- مدیر انفورماتیک: حمید صداقت
- سرپرست فنی: امین مریخی
- صفحه آرایی: مهدی فرحانی، حمید عینی خراسانی، حمیدرضا سراجی، مرصیه کیانی مروت
- حروفچینی: زهرا خوش‌نیت، فاطمه محمدی، ایلنا نوروزی
- ویراستاری: مونا بهرامی، زهرا رهبرنیا، محسن معتمدی، عاطفه میرزا، سمیرا یحیایی
- چاپخانه: جام جم
- نشانی: خیابان مطهری - خیابان لارستان - کوچه صدر - شماره ۱۱



مسئولیت سنگین رسانه‌ها در تولید و گردش اطلاعات

توصیه‌های استاد اقتصاد برای «جامعه فر دا»



نقش رسانه‌ها در حل بحران‌های اقتصادی و کمک به توسعه اقتصادی کشورها و جوامع همانند نقشی است که آنها در سیاست‌یافتی‌کنند. از آنجایی که یکی از خاص‌ترین ویژگی‌های اقتصاد مباحث مربوط به بازارهای اقتصادی است، در این رابطه به جرات می‌توان گفت رسانه نقش بسیار مهمی در بازارهای اقتصادی

کشورهای ایفای‌کنند. نباید فراموش کرد که اصلاح تشکیل‌دهنده بازارهای اقتصادی در تمامی دنیا تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هستند و رسانه‌ها توانایی آن را دارند تا بر هر کدام از این بخش‌ها تأثیرهای مختلف و مهمی از جمله بر کیفیت و قیمت کالاها بگذارند. یکی از مسائل مهمی که به کارآیی بازارهای اقتصادی کمک شایانی می‌کند اطلاعات است به طوری که اگر اطلاعات جامع و کافی در این بازارها وجود داشته باشد می‌تواند راه را برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بیش از پیش باز کند البته این موضوع را نیز باید در نظر داشت که اطلاعات در تمامی تئوری‌های اقتصادی به صورت پیش‌فرض وجود دارد و تقریباً تمامی بازارهای اقتصادی از اطلاعات کافی مربوط به خود برخوردار

باید مرزی روشن میان خبر و تحلیل باشد

گفت‌وگوی امیر محیبیان به مناسبت شروع انتشار «جامعه فر دا»



مدیرعامل خبرگزاری آریا معتقد است: یکی از مهم‌ترین وظایف روزنامه‌ها، رقابت شدید برای تولید محتواست. دکتر امیر محیبیان می‌گوید: با توجه به کم‌اعتباری سپهر سیاسی، آن هم در خوشبینانه‌ترین حالت، یک روزنامه سیاسی باید ابتدا خود را بسان منبعی معتبر بشناساند و فروغ‌نیلیدن در دعوای جناحی عملاً باعث می‌شود در بازاری تقسیم‌شده قرار گرفته و از لحاظ بازاریابی در جذب مخاطب و نیز از لحاظ اقتصاد رسانه با دشواری جدی روبه‌رو شود.

این نویسنده و پژوهشگر در پاسخ به این سوال که در

هستند از آنجایی که گردش اطلاعات هم برای تولیدکننده و مصرف‌کننده و هم برای ناظران بازارهای اقتصادی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، رسانه‌ها نیز به عنوان مهم‌ترین منبع تولید و گردش اطلاعات مسئولیت سنگینی را بر عهده دارند. با گسترش شبکه‌های مجازی و گسترده شدن سیستم‌های ارتباطی نقش رسانه‌ها نیز برترنگت و بر اهمیت تر شده است. با در نظر گرفتن اینکه رسانه‌ها می‌توانند اطلاعات مورد نیاز بازیگران بازارهای اقتصادی یعنی تولیدکنندگان کالا، مصرف‌کنندگان، کارگران و تمامی فعالان این بازارها را در اختیارشان قرار دهد رسانه‌ها و به خصوص روزنامه‌ها می‌توانند به عنوان تولیدکنندگان این نوع اطلاعات به فعالان بازارهای اقتصادی کمک شایانی کنند. در واقع رسانه‌ها، خبرنگران و به‌طور کلی فعالان میدانی‌ترین کسانی هستند که می‌توانند با تولید اطلاعات شفاف به بازارهای اقتصادی کمک کرده و در عین کمک به بهبود کیفیت و قیمت کالاها به توسعه اقتصادی کشور کمک کرده و زمان عبور از بحران‌های اقتصادی را کوتاه کنند.

ولی این معروفیت به معنای محبوبیت نیست. او به این سوال که اکنون جای چه رسانه‌ای در میان رسانه‌های موجود در ایران خالی است، پاسخ می‌دهد: رسانه‌ای که رفتاری خرمدانانه، تولیداتی پر محتوا و ویژه در این فضای منفی‌افزین و کوشش برای برآوردن انرژی مثبت داشته باشد و اینها شرایط لازمی است که خلأ آن احساس می‌شود. مؤسس حزب نوآندیشان درباره کارکرد یک روزنامه یا یک روزنامه‌نگار سیاسی در جامعه و نقش آنها در گام برداشتن به سوی آشنی ملی و تنش‌زدایی از فضای جامعه کنونی، می‌گوید: ارائه تصویری واقع‌نگرانه از آنچه در جامعه می‌گذرد با سرعت و دقت در اطلاع‌رسانی و در عین حال رعایت مصالح کلان کشور بدون فروغ‌نیلیدن به جنجال‌های بی‌فایده و مضر به حال کشور و توده‌های مردم وظیفه مبنایی است.

این استاد دانشگاه می‌افزاید: ضمن آنکه روزنامه سیاسی ابتدا باید مرزی روشن میان خبر و تحلیل برای مخاطبان کاذب در جامعه می‌گوید، ورود به درگیری‌های جناحی هر چند به شناخته شدن رسانه کمک می‌کند، اما اولاً خلاف وظیفه وحدت‌افزینی و مسوولیت اجتماعی است و ثانیاً در ادامه هر چند موجب معروفیت رسانه می‌شود،



تولدهر رسانه شمع جدیدی برای توسعه روشن می‌کند

یادداشتی برای جامعه فر دا
● **فرشاد مؤمنی**
استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

در بحث‌های کلاسیک که رابطه رسانه و توسعه اقتصادی، اجتماعی را موضوع پژوهش‌های علمی قرار می‌دهند، معمولاً نقطه شروع مطالب آن است که هر اقتصاد ناگزیر بر می‌یاست از نهاد بازار و نهاد دولت، استفاده کند و هیچ‌یک از اینها قابل حذف نیستند، اما در عین حال در میان متفکران و صاحب‌نظران اقتصادی این اتفاق نظر وجود دارد که هم دولت و هم بازار موارد در ماندگی و شکست خواست خود را نیز دارند. از آنجایی که دولت و بازار قابل صرف‌نظر کردن و حذف نیستند، در سطح نظری مسأله اینگونه مطرح می‌شود که آیا می‌توان سازوکاری تمهید کرد که جامعه از ظرفیت‌های مثبت دولت و بازار محروم نشود اما در ماندگی‌های آنها به حداقل برسد.

در پاسخ به این سؤال گشته می‌شود که وقوع چنین اتفاقی تنها و تنها هنگامی امکان‌پذیر می‌شود که بر فراز دولت و بازار، جامعه مدنی قدرتمندی وجود داشته باشد که با اعمال نظرات‌های تخصصی و برانگیختن حساسیت و آگاهی در میان عامه مردم، بستر استفاده کارآمد و کم‌هزینه از سازوکارهای ترکیبی دولت و بازار را فراهم کند. از این زاویه که برای کشور ما همچنان به شدت موضوعیت دارد، تولد هر رسانه جدید گرمایی داشته می‌شود و به‌ویژه با توجه به آنکه در کشور ما جامعه سیاسی از وجود احزاب بر سابقه، با کیفیت و حساس نسبت به سرنوشت ملی در حد نصاب برخوردار نیست، معمولاً باار خلاصه مورد اشاره بر دوش نهاد‌های صنفی تخصصی، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها، سنگینی بیشتر می‌کند و به اعتبار پیوند و رابطه همگانی و روزمره رسانه‌ها با مردم حتی در میان سسه گروه مورد اشاره با قوت و جرات می‌توان گفت که رسانه‌ها نقش برجسته‌تر و سرنوشت‌ساز تر دارند به گونه‌ای که حتی می‌توانند دانشگاهیان و تشکل‌های صنفی را نیز حساس نموده و صدای آنها را به جامعه و ساختار قدرت منتقل سازند. از این منظر تولد هر روزنامه به معنای باز شدن در بجهای جدید برای تاباندن نور آگاهی به شمار می‌رود و از آنجایی که بقای ساختار رانتی اساساً منوط و موقوف به استمرار عدم شفافیت‌هاست، این نوافشانی فی‌حداثه ارزشمند است و گرمایی داشته می‌شود اما طی نزدیک به دو دهه اخیر کشورمان با دو مسأله اساسی تر نیز دست‌به‌گریبان است که هر یک از آنها به نوبه خود برای رسانه‌های پاک دامن و شفاف، جایگاه و منزلت برجسته‌تر و ممتازتری را پدید می‌آورد.

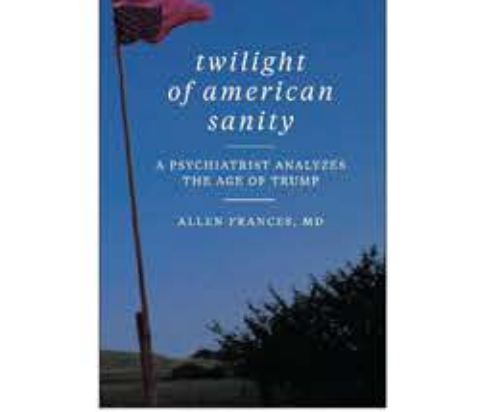
تکنه اول مربوط می‌شود به روند فراینده درونی شدن دستاوردهای انقلاب دانایی. این یک مسأله بسیار خطیر و سرنوشت‌ساز است که متأسفانه در کشور ما به نحو بایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته، در تئوری‌های کلاسیک اقتصادی معمولاً عوامل تولید را به کار، زمین و سرمایه تقسیم می‌کردند و بعد با فرض همگن‌بنداری آنها امکان جابه‌جایی آنها در فرایند تولید را با منطبق هزینه فایده اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دادند. در عصر دانایی که به معنای قرار گرفتن انسان‌ها در انسانی‌ترین جایگاه خود در طول تاریخ بشر است و به این معنا تلقی می‌شود که انسان‌ها بیش از آنکه از توان فیزیکی خود در فرایند تولید استفاده کنند از ظرفیت‌های دانایی خود بهره‌برده و نقش ایفا می‌کنند، نقش رسانه‌ها به‌ایمانی بی‌بدیل و منحصر به فرد نزدیک می‌شود. در سطح نظری گفته می‌شود که فقط از دانایی‌هایی می‌توانند دستاوردهای توسعه‌ای داشته باشند که هویت جمعی پیدا کنند و در آن صورت علاوه بر آنکه انسان‌ها به تنهایی در خلق ارزش افزوده معادل چهار برابر کل عوامل دیگر تأثیرگذاری پیدا می‌کنند و از این زاویه دیگر به هیچ وجه قابل مقایسه با سایر نهاد‌های تولید نیست، مسأله اساسی‌تر آن است که هویت جمعی پیدا کردن دانایی‌ها بیش از هر چیز تابعی از ایفای نقشی شفاف‌دهنده و کارشناسی توسط اصحاب رسانه است. بنابراین هر رسانه جدیدی که متولد می‌شود، گویی شمع امید جدیدی برای توسعه روشن شده و از این زاویه گرمایی داشته می‌شود.

اما یک مسأله حیاتی دیگر هم هست که به‌ویژه طی چند سال اخیر ابعاد اهمیت خارق‌العاده‌تری پیدا کرده است. در اصطلاح اقتصاد سیاسی گفته می‌شود که یکی از مهم‌ترین موارد شکست دولت آن است که دولت به تسخیر گروه‌های پرنفوذ و قدرتمندی در آید که منافع آنها هم‌راستایی مشخصی با منافع ملی ندارد. این افراد و گروه‌ها به همان ترتیبی که دولت را به تسخیر خود در می‌آورند می‌توانند رسانه‌ها را نیز تسخیر کنند و در آن صورت به تعبیر «ژان بودریار» به جامعه آگاهی‌های دستکاری شده منتقل کنند و از طریق این دستکاری منافع خود را حداکثر نموده و علیه منافع ملی قیام کنند. این یک مسأله بسیار تکان‌دهنده و غم‌انگیزی است که با کمال تأسف به‌ویژه طی ۱۰ سال اخیر با وضوح بیشتری در سطح رسانه‌های موجود ما علائمی از آن مشاهده می‌شود که غم‌انگیز و حزن‌آور است و تنها و تنها از طریق خود دست‌اندرکاران شرافتمند و دارای غیرت ملی می‌توانند حل و فصل شود.

در نهایت صمیمیت از خداوند متعال آرزو می‌کنم و طلب می‌نمایم که این روزنامه، مجموعه‌ای اینگونه باشد. خود را از طریق حره ابگهی به تسخیر رانت‌جویان، رباخواران، دلالان و واردکنندگان در نیابرد و با شیوه‌های ضدتوسعه‌ای ایشان در رسانه‌ها مبارزه‌ای شرافتمند را در دستور کار قرار دهد که مبنای آن علم، اخلاق و مرام کارشناسان ملی باشد. اگر اینگونه نباشد اینجانب به سهم خود سجده شکر به جای می‌آورم و برای این رسانه آینده‌ای پر عزت و بر تأثیر و تمربخش آرزو می‌کنم و امیدوارم موفقیت این روزنامه آنهایی را که شرافت حرف‌های را به نام و نان می‌فرشند، بیدار نماید تا آنها نیز تکیه‌گاه قابل اعتنایی برای عامه مردم و بخش‌های مولد در این اقتصاد رانت‌زده و سودا‌زده باشند.

در گرگ‌ومیش عقل سلیم آمریکایی

انتشار ترجمه تازه‌ترین کتاب درباره ترامپ و جامعه آمریکا در نخستین نسخه «جامعه فر دا»



زهرة قلی پور: هر آمدن، رفتنی دارد؛ اما در گذار میان این آمدن و آن رفتن، چرخ گردون است که می‌چرخد و آدمیان که فرسوده می‌شوند و نسل‌ها که زائل می‌گردند، فقط زمین و آسمان‌ها جاودانه می‌مانند؛ اما منجمین می‌گویند اینها نیز رفتنی هستند. پس می‌تواند که معنی جاودانگی را عوض کنیم و بگوییم مقصود، تا آن روزی است که زمین، بر سیل عادت خود، فلک را دور می‌زند و تاروژی که سرزمین‌ها هستند و تنابندای در آنها نفس می‌کشد، سایه حکم‌فرمایان نیز بر زمین پهن است؛ سایه‌ای هر چند وزین، اما در بطن خود لرزان و در نوسان میان خرد و جنون. این دومی، سنگین‌بست و به‌تر کار یکدای که به آن تکیه زده، کمتر مایل است؛ با این همه گشت می‌زند و به هر سبزی می‌سوزد که می‌کند. آن فیلسوف فرانسه، گوینده ناگفته‌های زر توست، چنین می‌گفت: «جنون فردی، امری است نادر؛ اما جنون جمعی، آفتی است عالمگیر و چیزی به دست‌ها، جماعات، ملت‌ها، و ادوار تاریخی.» با این همه کسانی هستند که یک‌کنته، سرنمون ناخردی‌های جمعی می‌شوند و ممکن است در هر دیاری ظهور یابند. این پهن‌دشت نیز که از خزر تا خلیج‌اش، همیشه پارس بوده، از سر شوربختی کم‌مجانینی به خود ندیده که بر آن ناخنده‌اند و افسار عقل به هوای نفس سپرده‌اند بی‌رنجش خاطری، تاراج‌مام وطن را بر خود سهیل‌تر کنند، بی‌اینکه از فروکش‌ان ایران‌شهر به ویرانشهر هر‌اسی به دل راه دهند. در این میان اما، آنچه ناخوشدنی می‌نماید، ملتی است که خود تاج‌بر سر تاراج‌کننده گذاشته است. در شرح عمق رسوایی این گناه کبیره جمعی، ما را همین اشارت بس است که آن جماعت خطاکار، چون از خواب نوشین بیدار شوند و ببینند آنچه چراغ معجزه می‌پنداشند، آتش شهوت‌ازدهان‌ها ضحاک بوده، صحنه سر می‌دهند و مرتبه مرتبه می‌خوانند و بر خود، این خرده می‌گردند که چرا فریفته تر دستی جنون شده‌اند. اما جنون، چنان منشی ندارد که کتخ عزلت بگیرد. پس از خود را می‌رود و به هر جاسر می‌زند تا از مضرات خود به همگان نصیبی برساند. این بار قرعه به نام سرزمین بانگی‌ها افتاده است. اچ‌ال‌مکنسن، روزنامه‌نگار قفسید آمریکایی (۱۸۸۰ - ۱۹۵۶) با ناگهانی پیش‌گوییانه عاقبت جنون در سرزمین خود را چنین ترسیم کرده بود: از آنجا که دو مگر اسی به شکل غایی خود دست یافته، پس هیچ چیز بهتر از تشکیلات ریاست‌جمهوری، روح حقیقی ملت را بازمانی نمی‌کند. سرانجام روزی فرخجش و فرخنده از راه خواهد رسید که عوام سده‌اندیش این سرزمین، کامیاب شوند و به آرزوی دیرینه خود برسند. آن روز کاخ سفید، منز لگام یک‌ایله فر و مایه خواهد بود.

تحقق یک پیش‌گویی: حلول شرارت
امروزه ایالات متحده شاهد ظهور بدبدهای در مقام کلیددار کاخ سفید است که پهنه زمین، از شرق تا غرب، به آن چشم دوخته و او را به منزله یکی از بفرنج‌ترین مصادیق استیلا جنون در هزاره سوم باز می‌شناسد. اما ایامت‌اس این جنون را نباید در میان جماعتی جست که مقام ریاست‌جمهوری را به او سپرده‌اند و با این‌گزینه‌اش، از ناخردی خود رونمایی کرده‌اند؟ آلن فرانسن، روانپزشک سرشناس آمریکایی (۱۹۴۲) در کتاب خود با عنوان «در گرگ‌ومیش عقل سلیم آمریکایی» ضمن طرح پرسش فوق، به تشریح ابعادی از روح ملت آمریکایی پرداخت که پیدایی موجود معلوم‌الحالی موسوم به دونالد ترامپ را امیس نموده است. فرانسن معتقد است، به جای پرتواکتی بر اختلالات و ناهنجاری‌های رفتار ترامپ، باید چراغ به دست گرفت و سراغ زوایای خاموش‌اندهان عمومی رفت؛ زیرا قدرت گرفتن ترامپ معلول او‌هام جمعی است و ریشه در تکرش‌های بیمارگون اجتماعی دارد. فرانسن معتقد است برای امید بستن به افقی نجات‌بخش در جامعه آمریکا، از فهم و شناخت این بیماری جمعی ناگزیریم؛ چون تنها به همین طریق می‌توانیم در پیامچ سازوکاری منجر به تحقق ریاست‌جمهوری ترامپ شده‌است؛ به تعبیری از زهنگذر آسیب‌شناسی این مرض است که می‌توان راهی برای درمان آن یافت.

فرانسن در کتاب خود این پرسش را پیش می‌کشد که اگر ترامپ یک فرد پریشان‌احوال است، درباره ملتی که او را در کرسی ریاست‌جمهوری نشانده، چه باید گفت؟ و بعد تصریح می‌کند: «ترامپ، روان‌نزد نیست؛ ماییم که به این عارضه مبتلا هستیم. لذا چشم‌داشت ما به اینکه ترامپ تحول یابد، خیال باطلی است. آنچه باید درمان گردد، ذهنیت مبتلا به او‌هام اجتماعی ماست که سبب‌ساز امارت ترامپ شده‌است.» نکته قابل تأملی که فرانسن، نظر ما را به آن جلب می‌کند، آن است که نقض ترامپ در حماقت او نیست، بلکه در شرارت اوست؛ ناجایی که در وصف وی از استعاره «دجال» یا «خدم‌مسح» بهره می‌گیرد. فرانسن بر مبنای لنگاره‌های کتاب عهد عتیق، ترامپ را معادل ابزار انتقام الهی معرفی کرده و اعلام می‌کند برای تنبیه نسل‌ها نوا آمده، به‌موجب گناهان پدران، هیچ طبعی‌ای مملکت‌تر از ترامپ نمی‌توان در نظر آورد. آنچه در بالا به آن اشاره شد، چکیده کتابی است که «جامعه فر دا» قصد دارد تا ترجمان تدریجی آن به‌صورت پاورقی، در اختیار خوانندگان خود قرار دهد. امید آن می‌رود که خوانش این اثر، گامی در جهت خودکاوی جمعی و تدبیر کردن برای فرای جامعه باشد. که دل‌مشغولی بنیادین «جامعه فر دا» است. گرچه این کتاب نام سرزمینی دیگر را بر پیشانی خود دارد، اما عبرت‌آموزی، مرز و جغرافیای نمی‌شناسد و از آنجا که بشر در دهای مشترک کم‌به‌خود ندیده، استعداد شگرفی در همدات‌پنداری با مللی هر چند بیگانه دارد، باری، غفلت از خطاهای مصیبت‌بار آدمی را نشاید.



کارتون: فیروز مغففری / جامعه فر دا